

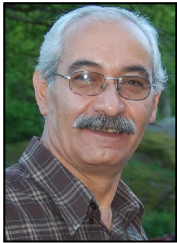
کردستان عراق، روندهای آتی و موقعیت چپ مصاحبه با محمد آسگران



این گفتگو و بررسی میتواند کمک کند خوانندگان تصویر دقیقتری از تحولات آتی منطقه و کردستان عراق پیدا کنند. بویژه اینکه محمد آسگران اخیراً در سفری به کردستان عراق هم با مردم و هم با تعدادی از فعالین سیاسی اپوزیسیون و همچنین با تعدادی از دست اندر کاران حاکمیت در این منطقه شخصاً بحث و تبادل نظر کرده و از دیدگاههای آنها مطلع شده است. محمد آسگران همچنانکه اشاره کردم اخیراً سفری به کردستان عراق داشتید، اجازه بدهید ابتدا خسته نباشید بگویم. صفحه ۲

نسرین رضانعلی: در این گفتگو تلاش میکنیم اوضاع فعلی کردستان عراق و روندهای آتی احتمالی این جامعه را مورد بحث و بررسی قرار بدهیم. از آنجایی که تحولات این بخش از کردستان تاثیر مستقیمی بر دیگر بخشهای آن دارد

خودکشی راه حل نیست!



عبدال گلپریان

چشم (آب سیاه) نبوده دست به خودکشی زده است. موارد بالا تنها گوشه بسار کوچکی از خودکشی هایی است که صفحه ۴

در خبرها آمده بود که روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت "بهزاد علیپور" کارگر نانوايي در محل کارش واقع در خیابان طالقانی سنندج به زندگی خود پایان داد. بهزاد ۳۰ سال سن داشت و نان آور همسر و فرزند ۳ ساله اش بود. او انسانی زحمتکش بود که همراه پدرش سالها در آن بربری فروشی برای امرار معاش خود و خانواده اش در تلاش و زحمت بود. این واقعه دردناک تنها مختص به بهزاد

احمد خاتمی و شیب بی حجابی



کیوان جاوید

با خود می برد. "شیب بی حجابی" در ایران يك حرکت عمیق سیاسی و فرهنگی، يك رنسان عظیم اجتماعی است که سر باز ایستادن ندارد.

چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ۹۵

احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران در حاشیه بازدید از بیست و نهمین دوره نمایشگاه کتاب تهران گفت: فضای نمایشگاه رضایت بخش نیست. برخی از بدحجابی ها در شیب بی حجابی است و بدحجابی و بی حجابی خلاف شرع است. او در ادامه گفت: بیش از ۱۰ آیه قرآن صریحاً درباره حجاب سخن می گوید و نتیجه می گیرد بدحجابی دهن کجی به این آیات است و تقاضا داریم از خانمها که اگر انگیزه دینی ندارند لاقفل احترام بگذارند به تدین.

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

بوده که از این مبلغ نزدیک به ۵۹ میلیون دلار آن به کمپانیهای نفتی پرداخت شده. به این ترتیب و بر اساس گزارش کاربدستان حکومت اقلیم تنها در ماه مارس از فروش نفت بیش از ۳۱۷ میلیون دلار در آمد نفت داشته اند. لازم به ذکر است که این تنها يك قلم از درآمد صفحه ۶

گزارشی از فروش نفت در ماهی که گذشت!
بر اساس گزارشی از وزارت منابع طبیعی اقلیم کردستان در ماه مارس روزانه ۵۱۱ هزار بشکه نفت از طریق خط لوله به خارج از اقلیم انتقال داده شده. این گزارش می افزاید که در آمد آن ۳۷۶ میلیون و ۳۹۵ هزار و ۹۰۱ دلار

خودکشی کارگر نانوايي در سنندج و دو خبر کارگری

مشکلات زندگی خود را در مغازه بربری فروشی حلق آویز کرد و متأسفانه فوت کرد. بهزاد انسانی زحمتکش بود که همراه پدر سالهای سال در آن بربری فروشی برای امرار معاش خود زحمت می کشیدند. علت خودکشی مرد میانسال در صفحه ۴

"بهزاد علیپور" کارگر نانوايي در محل کارش واقع در خیابان طالقانی به زندگی خود پایان داد. نامبرده ۳۰ سال سن و دارای فرزندی ۳ ساله میباشد. به گزارش رسیده، عصر یکشنبه ۱۹ اردیبهشت بهزاد علیپور کارگر نانوايي بربری در سنندج بخاطر

عدم حضور جعفر عظیم زاده در ملاقات هفتگی بدلیل ضعف جسمانی

صفحه ۵

**مردم هر مزگان
به حمایت از کارگران اعتصابی برخاستند!**
**کارگران هشتمین روز تجمع خود را
پشت سر گذاشتند!**
**خانواده های کارگران نقش فعالی
در اعتراض دارند!**
صفحه ۵

از صفحه ۱ کردستان عراق، روندهای ...



محمد آسنگران: مرسی لطف دارید. من در دو دهه گذشته هر وقت ضرورت ایجاد کرده برای انجام کارهای حزبی به این منطقه سفر کرده ام. در این سفر آخر خوشبختانه خود تو حضور داشتید و از چند و چون مسائل مطمع هستید. خودتان هم خسته نباشید.

نسرین رمضانعلی: بدون تردید شما همیشه مسائل کردستان و منطقه را دنبال کرده و میکنید. در این سفر با توجه به حضور شما در کردستان عراق و با توجه به روایتی که با مردم آنجا دارید قطعاً بیشتر از پیش موقعیت و وضعیت کردستان عراق را متوجه شده اید. اگر بخواهید یک تصویر کلی به خوانندگان این گفتگو بدهید چه نکاتی را مهم و برجسته میدانید؟

محمد آسنگران: اولین مسئله ای که این بار در کردستان عراق برای من برجسته خود را مطرح کرد سرگردانی و معلق بودن سرنوشت و آینده این جامعه بود. قبلاً هم این مسئله بوده و همیشه مورد بحث ما قرار گرفته است، اما این بار اورژانس بودن و راه حل فوری طلبیدن به منظور تعیین مسیر آینده کردستان عراق به امری مهم در ذهنیت کل جامعه تبدیل شده است. زیرا اکنون کردستان عراق یک بار دیگر با معضل تا کنون لاینحل قدیمی تر مواجه شده است. معضل این است که کردستان عراق اکنون نه عملاً به عنوان بخشی از کشور عراق است و نه کشور مستقلی که بتواند آینده خودش را تعیین تکلیف کند. آنچه اکنون در جریان است یک حالت بینابینی و بلاتکلیفی است. بویژه اینکه خود عراق چند پارچه شده و هر بخش آن تحت حاکمیت دارو دسته های مذهبی قومی اداره میشود.

و به یک کشور مستقل تبدیل شود. من معتقدم راه حل دوم به نفع مردم کردستان و عراق است.

نسرین رمضانعلی: شما خیلی کوتاه اشاره به موقعیت و اوضاع سیاسی جاری در کردستان عراق کردید، آنچه مشهود است ما شاهد اعتراضات مردم در عراق و همچنین کردستان نیز هستیم ابعاد این اعتراضات چگونه است؟

محمد آسنگران: اعتراضات مردم هم در شهرهای تحت حاکمیت دولت بغداد و هم در کردستان عراق اساساً حول بهبود زندگی و معیشت و تامین امنیت است. این کشور از یک طرف درگیر جنگ با داعش و خونریزی و بمبگذاری است و از طرف دیگر حاکمان مذهبی و قومی غرق فساد شده اند و هر دارو دسته ای به فکر دزدی و چپاول منابع آن کشور است. بنابر این ما با جامعه ای از هم گسیخته با حاکمانی فاسد با جریاناتی بیرحم و خونریز اسلامی و با انواع تروریستهای اسلامی روبرو هستیم که هر کدام از آنها سرشان به یک دولت و قدرت وصل است.

در کردستان عراق هم فساد و گوش به فرمان بودن احزاب حاکم به قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه آشکار است. تنها تفاوت این است که جریانات اسلامی تروریست در این منطقه امکان و توان اینرا ندارند که مردم را به جان همدیگر بیندازند. اما احزاب قومپرست به شکل ملوک الطوائفی هر کدام بخشی از کردستان را تحت حاکمیت خود گرفته و با حمایت دولتهای منطقه قوانین و اهداف خود را اجرا میکنند.

مردم از این اوضاع خسته و نا امید شده اند. همچنانکه گفتیم اعتراضاتشان بر محور معیشت و خواست تامین امنیت و علیه فساد حاکمان شکل گرفته است. اما در یک کشور از هم گسیخته و بی قانون و بدون پرسپکتیو آنچه امروز تعیین کننده نهایی است قدرت اسلحه و حامیان قدرتمند منطقه ای و جهانی است. بنابر این من تصور نمیکنم که هیچ جریان انقلابی و یا حتی ضد انقلابی در چنین شرایطی بدون قدرت اسلحه بتواند سرنوشت جامعه را تعیین تکلیف کند. زیرا در یک جامعه مدنی و با قانون حال (قانون انقلابی یا ارتجاعی باشد) میتوان

به کمک اعتراضات خیابانی و جنبش مطالباتی اصلاحاتی به این یا آن دولت تحمیل کرد و تدارک قیام و انقلاب را مد نظر داشت. اما در جامعه ای بی قانون و از هم گسیخته که هر منطقه آن در دست یک دارو دسته قومی مذهبی قرار گرفته است بحث انقلاب و اصلاحات فقط کلمات و آرزوهایی ذهنی شیرین بیش نیست. از منظر یک نیروی انقلابی روشن بین و نه ایدئولوژیک و کتابی که مرتب آرزوهایش را تکرار کند، تنها نیروی تعیین کننده در آن جامعه قدرت مردم متشکل و مسلح است که میتواند تعیین کننده باشد. نیروی اسلحه و حمایت مردم از آن میتواند شر جریانات ارتجاعی و خونریز را از سر آن جامعه کم کند. از نظر من بدون عروج چنین نیرویی آینده عراق و کردستان عراق را همین جریانات ارتجاعی دخیل در سیاست این جامعه تعیین تکلیف خواهند کرد.

نسرین رمضانعلی: کارگران وکل مزدبگیران در کردستان عراق در شرایط فعلی رسماً یک سوم حقوق خود را دریافت میکنند آیا این وضعیت برای مردم قابل تحمل است؟ مردم چه میگویند؟ نقش احزاب در قدرت و احزاب در اپوزیسیون برای مقابله با وضعیت کنونی چیست؟

محمد آسنگران: واضح است که این اوضاع و پرداخت نکردن دستمزدها و حقوق کارمندان فاسد بودن حاکمان برای مردم به حد غیر قابل تحمل رسیده است. مردم به شدت عصبانی و معترض هستند. در عین حال نمیتوانند منتظر تعیین تکلیف سرنوشت جامعه و پایان جنگ و خونریزی باشند و گرسنگی بکشند. برای مطالبات فوری یعنی پرداخت حقوقها و اضافه شدن دستمزدها و عیله حاکمان فاسد باید به اعتراضات خود ادامه بدهند. اگر این اعتراضات قدرتمند بشود مردم میتوانند حاکمان را ناچار کنند بخشی از پولهای دزدیده شده و دارائیهایی که در دست دارند را صرف پرداخت حقوقها بکنند. با این حال یک چیز روشن است تا وقتی که سرنوشت جامعه تعیین تکلیف نشود امکان تکرار چنین بحرانها و گرسنگی دادن به جامعه از جانب حاکمان همیشه وجود دارد. احزاب

در قدرت تلاش میکنند مردم را با وعده های توخالی آرام کنند. اما در غیاب یک حزب و جریان قدرتمند که بتواند این اعتراضات و ناراضیاتی را هدایت کند حاکمان این شانس را دارند با مانورهای متعددی مردم را ساکت کنند. بویژه اینکه خطر حضور فعلی داعش و البته خطر بلقوه نیروی دیگری به اسم حشد شعبی یا نیروی بسیج جریانات شیعی در عراق تهدید فوری و بلقوه ای هستند که تا حدودی مردم را در بیان و ادامه اعتراضاتشان محتاط کرده است.

نسرین رمضانعلی: اخیراً احزاب در قدرت تقلاً میکنند تا شاید خیزشها و اعتراضات مردمی را ساکت کنند. شما اشاره کردید مردم بشدت از وضعیت اقتصادی فرهنگی و اجتماعی بویژه از فساد و دزدی بی حد و حصر حاکمان عصبانی هستند. شما برای بهبود وضعیت مردم و شاخصهای پیشروی مردم چه مسائلی را تعیین کننده میدانید؟

محمد آسنگران: تشکل و سازمان در میان اصناف و اقشار مختلف جامعه بویژه متشکل شدن کارگران در تشکلهای مستقل خود و دست بردن به اسلحه در مقابل حاکمان فاسد کلید پیروزی مردم برای به عقب راندن حاکمان و تعیین تکلیف جامعه است. اعتراضات موجود اگرچه فضای جامعه را تحت تاثیر قرار داده است اما اینقدر قدرتمند نشده است که حاکمان را ناچار به عقب نشینی و قبول مطالباتشان کند. معلوم است باید فعالین و رهبران اعتراضات مردمی، احزاب چپ و معترض به وضع موجود بتوانند به این نتیجه برسند که بر محور مطالبات مشترک اقشار تحت ستم در زیر یک چتر واحد گرد هم آیند و مطالبات فوری و سراسری مردم را به پرچم اعتراضات خود تبدیل کنند. این تنها روزنه ای است که بشود مردم به مطالبات فوری و اولیه خود برسند.

نسرین رمضانعلی: موقعیت جریانات چپ و کمونیست در کردستان عراق چگونه است؟ آیا موقعیت کنونی مردم میتواند دلیلی باشد برای دست بالا داشتن

از صفحه ۲ **کردستان عراق، روندهای ...**

احزاب چپ و کمونیست؟

محمد آسنگران: ابتدا بگویم ناراضی مردم فقط زمینه و بستری است که جریانات سیاسی اپوزیسیون از جمله چپ اگر سیاست درست و به موقع اتخاذ کنند میتوانند از آن نیرو بگیرند. اما متأسفانه ما شاهد هستیم که این امر مهم یعنی اتخاذ سیاست درست و به موقع در کردستان عراق و کل عراق تا کنون از جانب جریانات چپ آنچنان که باید و شاید نمایندگی نشده است.

متأسفانه احزاب چپ و کمونیست این جامعه همچنان در حاشیه تحولات سیاسی قرار دارند. چپ متشکل و سازمان یافته اگرچه ضعیف و ناتوان از پاسخ گویی به مسائل حاد جامعه است از مشکل دیگری هم رنج میبرد. مشکل اصلی چپ جامعه کردستان عراق غیر سیاسی گری و غیر اجتماعی بودن آن است. همه احزاب و گروههای چپ کردستان عراق نه پیشرو مردم، بلکه دنباله رو حوادث و در حاشیه اعتراضات جا دارند. بنظر میرسد که پخش اخبار و انعکاس تحولات روزمره بعلاوه تکرار يك سری احکام ایدئولوژیک و اصولی، بدون معنای سیاسی و بدون پروژه عملی به کل فعالیت آنها تبدیل شده است. علیرغم صداقت و خلوص نیت، این چپ، انگار در کره دیگری زندگی میکنند و مکانیسمهای تغییر و تحول جامعه را اصلاً نمیشناسد. غیر سیاسی و کتابی به مسائل نگاه میکند. در بهترین حالت از مطالبات افشار مختلف ناراضی حمایت میکنند اما خود مبتکر هیچ پروژه و سیاستی که بتوانند توجه جامعه را به آنها جلب کند نیستند. من در همین سفر در جلسات و برنامه های شرکت کردم که در آن تکرار یکسری اصول ایدئولوژیک را میدیدم که پاسخ سیاسی امروز مردم نیست. نداشتن يك برنامه و پلتفرم با افق روشن برای نجات جامعه از این

بلبشویی که بر آن حاکم شده است، را به وضوح شاهد بودم.

نسرین رضائفلی: شما در توضیحات خود از موقعیت چپ احزاب در قدرت گفتید. اما آنچه که مردم را در انتظار نگه میدارد بخشاً توجهات دولت منطقه ای کردستان عراق است که میگوید از بغداد به ما بودجه ای نمیرسد. آنها میگویند به همین دلیل است که نمیتوانیم حقوق کارگران و مردم را بدهیم. این بحث چقدر میتواند صحت داشته باشد؟

محمد آسنگران: این يك واقعیت است که حکومت بغداد بودجه ای که شامل هفده درصد پول فروش نفت است را مدتها است که به حکومت محلی کردستان نپرداخته است. اما آنها هم دلایلی برای این کار بیان کرده اند. گویا طبق توافق طرفین قرار بوده تمام فروش نفت کردستان از طریق شرکتی باشد که دولت بغداد آنرا وکیل خود میداند. گفته میشود حکومت کردستان عراق هم به این توافق پایبند نبوده است. آنطور که معلوم است طرفین همدیگر را مقصر اعلام میکنند و به نظر میرسد که هر کدام جنبه هایی از واقعیت را بیان میکنند. اما حقیقت چیز دیگری و فراتر از ادعای طرفین است. هر کدام از حاکمان کردستان و بغداد از سال ۲۰۰۳ به بعد که با همدیگر شریک حکومت بوده اند کوشیده اند که سهم بیشتری از قدرت و ثروت آن جامعه را در اختیار خود بگیرند. پول فروش نفت اساساً در دست يك مشت جریان مذهبی و قومی قرار گرفته است که خرج باندهای حاکم و بریز و پباش های غیر قابل تصویری میشود که در کشورهایی با ساختار دیکتاتوری چندین و چند ساله، يك سنت است. رقابت حاکمان فاسد برای دزدی اکنون بیش از همیشه دودش به چشم مردم میرود. اما با همه این اوصاف حکومت کردستان عراق اگر بخواهد میتواند

حقوق و دستمزدها را کامل پرداخت کند. منابع کافی برای تامین پول هست اما قدرتی باید باشد که آنرا از دست سرمایه داران و دزدان حاکم بگیرد و یا آنها را ناچار نماید که حقوقها را پرداخت کنند. چند قلم عمده از منابع غیر قابل انکار اینها هستند: فروش روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت از طریق بندر جیحان ترکیه، فروش نفت از طریق مرز ایران، فروش گاز، و دیگر فرآورده های نفتی به کشورهای همجوار. بنابر این فروش دو کالای نفت و گاز هم به خارج و هم در داخل کردستان منابع عمده ای هستند که میتوان از پول فروش آنها همه دستمزدها و حقوقها را پرداخت کرد. منابع گمرکی در تمام مرزهای ایران و ترکیه و سوریه، پولی که از طریق مالیات به دولت پرداخت میشود، منابع دیگری هستند که دولت محلی تا کنون آمار و ارقام روشنی از آن منتشر نکرده است. با احتساب همه این منابع و میلیاردها دلار پول دزدی که در دست حاکمان است، اینها فقط چند قلم عمده از کل منابعی هستند که میتوانند در خدمت جامعه صرف بشود. با استفاده از این منابع براحتی میتوان آن جامعه را در شرایط بهتر اداره کرد. اما مشکل این است که حکومتی فاسد و دزد قبل از هر نیازی به فکر سهم دزدی حاکمان است.

نسرین رضائفلی: این تجربیات و این وقایع که بیش از بیست سال است در کردستان عراق در جریان است و رابطه نزدیک مردم کردستان ایران با عراق بنظر شما میتواند چه تجارب و دستاوردهای برای مردم کردستان ایران و فعالین کمونیست و رهبران کارگری و..... در ایران داشته باشد.

محمد آسنگران: از یکسو دیدن این روند و فساد و بی لیاقتی و سرکوبگری احزاب حاکم در کردستان عراق، يك ضربه محکم به پایه های ناسیونالیسم و کراپتی زده است که در بین احزاب سنتی و همچنین بین

مردم وجود دارد. همه احزاب ناسیونالیست قبلاً مدعی بودند اگر کرد به حکومت برسد مشکلات مردم حل میشود. الان بیست و پنج سال است احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق در قدرت هستند و این اوضاع مردم است که خودشان هم اعتراف کرده اند سیستم حکومتیشان شکست خورده است. يك نکته مهم دیگر اینست که مردم در کردستان ایران شاهد اعتراضات گسترده خیابانی به حاکمین کرد در کردستان عراق و از این مهمتر شاهد نقد روزانه همه اقشار جامعه علیه حاکمان فاسد کرد هستند که تقدس احزاب موجود را ریخته و نقد به این ایده قدیمی را که کرد از حقوق کرد دفاع میکند را میریزد. موضوع حکومت و مردم، آزادی بیان و احزاب، موضوع نقد مذهب و اسلام و مبارزه با تروریسم اسلامی و موضوع اداره جامعه و... به مسئله مورد بحث و بررسی میلیونها نفر در جامعه تبدیل شده است. درست در چنین اوضاعی نقش احزاب پیشرو و بویژه کمونیست بسیار مهمتر میشود. چپی که در این اوضاع و بعد از بیست و پنج سال منشا کمترین حرکت اجتماعی و کمترین خاطره عمومی از حرکت و تغییر و بهبود اوضاع باشد، حتماً يك ایرادی دارد و همچنان که قبلاً اشاره کردم، در خاطره عمومی مردم و زنان و آتیست ها و بی خدایان و پیشروان آن جامعه، از نقش و یا ایجاد تغییر از سوی احزاب کمونیست و کارگری متأسفانه اثر زیادی نیست و این باید به موضوع نقد و بررسی در کردستان عراق و همچنین ایران تبدیل شود که ببینیم چرا چنین شد و چه درسهایی میتوان از این پدیده آموخت.

به نظر من تنها راه حل و

سرگردان به جامعه ای با ثبات بشود. جامعه ای که آزادی و رفاه و آینده ای روشنی به کل شهروندان نشان بدهد و اعتماد آنها را جلب کند. احزاب چپ کنونی ایفای این نقش را وظیفه خود نمیدانند. مسئله تعیین تکلیف سرنوشت آن جامعه و سازمان دادن مردم برای ایجاد يك کشور رسمی و تحمیل آن به جوامع جهانی يك راه حل پایه ای برای عبور جامعه از این موقعیت سرگردان و بی آینده فعلی است. بر بستر چنین تلاشی پایه ای بقیه مطالبات روزمره مردم باید پاسخ بگیرد و برای تحمیل آن به حاکمان فعلی باید نیرو به خیابان آورد.

منعکس کردن و پخش اخبار تحولات روزمره بعلاوه تکرار يك سری احکام ایدئولوژیک و اصولی بدون معنای سیاسی، نمیتواند آن جامعه را به جلو ببرد. نگاه کنید از سر و کول آن جامعه اسلامیها بالا میروند، مساجد و فرهنگ و قوانین عقب مانده، فساد و ارتشا و دزدی و سرکوب در کنار خطر داعش و دریای جنایت و خونی که در حاشیه این جامعه در جریان است، وضعیت ناهنجاری در آن بخش ایجاد کرده است که باید پاسخ همه این مسائل را داد و مردم را بسیج کرد و راه حل درست و واقعی و نجات بخش را نشان داد. سیاسی و اجتماعی بودن، پروژه داشتن و همراه مردم بودن به معنی رهبری اعتراضات آنها فاکتورهای مهمی هستند که يك نیروی کمونیستی و پیشرو باید به آن اتکا کند. ذهنی گرایي و تکرار مکررات اصول اعتقادی و حاشیه ای بودن و به آن خو گرفتن، دردهای مزمنی هستند که چپ سنتی و غیر اجتماعی به آن مبتلا است و بعد از بیست سال شرایط بینابینی و تشبیت نشدن حاکمیت بورژوازی کرد در کردستان و بورژوازی در عراق نتوانسته است نقش جدی در بهبود اوضاع بازی کند.

چپ اگر به این رسالت خود واقف نباشد و آنرا در اولویت خود قرار ندهد محکوم به قبول شکست است.*

زندانی سیاسی آزادباید گردد

از صفحه ۱ خودکشی راه حل ...



هر روز در گوشه و کنار کشور رخ میدهد. در تمامی موارد خودکشی ها چه در بین کارگران و چه در میان جوانان که تحصیلات خود را به پایان رسانیده و به خیل نیروی کار پیوسته اند، همانا فقر، بیکاری و دیگر مصائب و مشکلات زندگی روزمره است که افرادی را در میان بخشهای مختلف جامعه به سمت پایان دادن به زندگی زیر خط فقر سوق میدهد.

بانی و مصعب اصلی این وقایع دردناک بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی تباهی زندگی مردم زیانزد خاص و عام است. این را امروز دیگر همگان بخوبی میدانند. از يك سو فقر مطلق، بیکاری، تورم و گرانی هر روزه مایحتاج زندگی مردم، پرداخت نکردن چندین ماه دستمزدهای زیر خط گرسنگی مزدبگیران از سوی دولت و کارفرمایان میلیونر و از سوی دیگر انباشت و افزایش سیل آسای ثروت، هستی مردم و دسترنج تمامی مزدبگیران از سوی يك درصدیهای انگل اسلامی حاکم بر ایران، یعنی تحمیل خودکشی. جمهوری آدمکشان اسلامی که هیچگونه ارزشی برای جان آدمیزاد قائل نبوده و نیست، حکومتی که از روز اول با کشتار و آدم کشی بقدرت رسید، خودکشی را نیز به مردم دست تنگ و قرار گرفته زیر خط فقر تحمیل کرده است.

اما خودکشی راه چاره نیست. برای مقابله با فقر و بیکاری، برای کنار زدن زالوهایی که هستی و دسترنج نود درصد جامعه را در

۲۱ اردیبهشت ۹۵

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

از صفحه ۱ خودکشی کارگر نانوایی ...

میرداماد مشخص شد؛ فقر وی در يك مسافرخانه در حوالی میدان شوش کار و زندگی می کند اما از چندی قبل به دلیل ابتلا به بیماری آب سیاه چشم اذیت شده و توان مالی درمان را نداشته است و به همین دلیل دست به خودکشی زده است.

يك مرد میانسال روز ۱۱ اردیبهشت خود را از پل عابر پیاده در خیابان میرداماد تهران حلق آویز کرد این خبری بود که به طور خلاصه به همراه تصویری که عابران گرفته بودند در شبکه های اجتماعی منتشر شد؛ خودکشی يك مرد شصت و پنج ساله در ساعت پنج بعدازظهر یازدهم اردیبهشت در بلوار میرداماد تهران.

با بررسی محتویات داخل جیب متوفی علاوه بر کارت ملی و کارت عابریانک، تکه کاغذی که علت خودکشی روی آن نوشته شده بود در اختیار بازپرس جنایی قرار گرفت، که در آن نوشته شده است که وی در يك مسافرخانه در حوالی میدان شوش کار و زندگی می کند اما از چندی قبل به دلیل ابتلا به بیماری آب سیاه چشم اذیت شده و توان مالی درمان را نداشته است و به همین دلیل دست به خودکشی زده است.

**اخراج ندریجی کارگران
شرکت گاز استان کردستان
شروع شده است**

گزارشی که یکی از کارگران قراردادی شرکت گاز استان کردستان برای اتحادیه آزاد کارگران ایران ارسال کرده است، حکایت از تصمیم مدیریت این شرکت مبنی بر اخراج بخشی از کارگران شاغل در شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه خود دارد.

بنا به دستور مدیریت شرکت گاز استان کردستان که به شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه خود ابلاغ

گردیده، خواسته شده است که از میان کارگران خود در قسمت بازرسین فنی و ناظرین که به صورت قراردادی کار می کنند، اقدام به اخراج و کاهش نیرو نمایند. در نتیجه و بر اساس این دستورالعمل در مدت چند هفته گذشته ۱۲ نفر اخراج شده اند و قرار است روند اخراج ادامه یابد. گفته می شود در این بخشها حدود ۱۳۰ نفر با مدارک بالایی دیپلم بصورت قراردادی و با کمترین حقوق و مزایا کار می کنند. لازم به ذکر است که مدیریت عامدانه و با برنامه برای کاهش دامنه اعتراض کارگران قراردادی نسبت به سیاست اخراجسازی، در تلاش ایجاد تفرقه بین کارگران قراردادی و رسمی است

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۹ اردیبهشت ۹۵

**به همبندان عزیزمان جعفر
عظیم زاده، اسماعیل عبدی
دوستان! همبندان عزیز!**

ما زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر، به اعتراض شما و بیانیه ای که به مناسبت اول مه منتشر کردید، ارج میگذاریم و از آن پشتیبانی میکنیم. شما براستی از حق ما زندانیان سیاسی و حق ما کارگران و ما مردم دفاع میکنید. اعتراض شما به فقر، دستمزدها و حقوقهای زیر خط فقر و بی تامينی، اعتراض شما به امنیتی کردن هر اعتراضی علیه این وضعیت تحت عنوان "اخلال در امنیت ملی" و برابر شدن آن با زندان، اعتراض همه ما کارگران و ما مردم است. از جمله ما زندانیان سیاسی که امضا کننده این نامه هستیم تحت اتهاماتی از همین دست حکم زندان گرفته و بهترین سالهای زندگی مان را داریم در زندان میگذرانیم.

خوشحالیم که تشکلهای

مختلف کارگری و معلمان و بسیاری از همکارانمان به این اعتراض پیوسته اند. این حمایت ها نشان میدهد که ما بسیاریم. اما اعتصاب غذای شما که از دهم اردیبهشت وارد شد، شده است، بشدت ما رانگران وضعیت جسمی و سلامتی شما کرده است. ما وضعیت شما را متوجه هستیم. چه بسا بارها خودمان بخاطر اینکه صدایمان را به بیرون برسانیم ناگزیر شده ایم، با دست بردن به اعتصاب غذا فریادمان را بلند کنیم. اما نیرویی که همیشه به ما قدرت داده است، اتحاد و همبستگی هم طبقه ای هایمان و مردم معترض با خواستهای برحق ما بوده است.

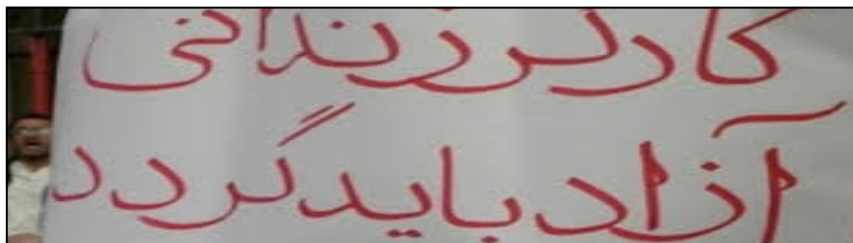
دوستان اعتراض شما شنیده شد. صدای آن نه فقط در ایران بلکه در آنسوی مرزها انعکاس یافت. با اتکا به این حمایت ها و پشتیبانی ها از شما میخواهیم که هر چه زودتر به اعتصاب غذایتان خاتمه دهید. بگذارید تا در کنار یکدیگر و با نیروی قویتر خواستهایمان را پیگیر شویم و به جلو ببریم. از اعتصاب غذای آقای محمود بهشتی نیز خبر داریم و سخنان خطاب به ایشان نیز هست. و میخواهیم که در کنار ما باشد و به اعتصاب غذایشان خاتمه دهد.

به امید آزادی همه کارگران زندانی، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تمامی احکام زندان تحت عنوان "اخلال در امنیت ملی" باید لغو شود

سهیل بابادی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، زانیار مرادی، رمضان احمد کمال، احمد کریمی، مهدی عظیمی، ابراهیم فیروزی، یاسر حمیدی شهرابی، حسین کاکاوند، حمید نوروزی، حسین غلامی آذر

۲۱ اردیبهشت ۹۵
۱۰ مه ۲۰۱۶

جمعی از زندانیان سیاسی
زندان رجایی شهر



عدم حضور جعفر عظیم زاده در ملاقات هفتگی بدلیل ضعف جسمانی



روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه طبق روال هر هفته نویت ملاقات هفتگی کابینه جعفر عظیم زاده با خانواده اش بوده است. اما وی به خانواده اش خبر داد که به دلیل پائین آمدن فشار خون، بیحالی و ضعف شدید جسمانی پس از ۱۳ روز اعتصاب غذا نمیتواند مسیر طولانی تا محل ملاقات را طی کرده و در آنجا حاضر شود در نتیجه از بستگانش خواست که به ملاقاتش نیایند.

لازم بذکر است که مسیر طولانی و سر بالایی بند زندان تا محل ملاقات از پلکان بسیار زیادی میگردد که جعفر عظیم زاده بدلیل ناتوانی جسمی دیگر قادر نیست این مسیر را طی کند. ملغی کردن لحظات اندک زمان ملاقاتی که جعفر عظیم زاده یک هفته در بدترین شرایط موجود، مشتاقانه منتظر دیدار با عزیزانش بود، حکایت از رو به وخامت نهادن وضعیت جسمانی این کارگر معترض و مقاوم دارد.

از آنجائیکه جعفر عظیم زاده بمنظور جلوگیری از بروز نگرانی در همسر و فرزندان و بستگان و دوستانش همواره در طی این مدت میزان وخامت روز افزون جسمی اش

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۲ اردیبهشت ۹۵

مردم هرمزگان به حمایت از کارگران اعتصابی برخاستند! کارگران امروز هشتمین روز تجمع خود را پشت سر گذاشتند! خانواده های کارگران نقش فعالی در اعتراض دارند!

آنان را بالا کشیده و در حال اخراج تعداد قابل توجهی از آنان است.

هرمزگان یکی از مراکز انفجاری کارگری است. بسیاری از مراکز کارگری در سالهای اخیر با تعطیلی و یا تعدیل نیروی کار مواجه شده و تعداد زیادی از کارگران به سوابق کاری بالا کار خود را از دست داده اند و به خیل عظیم بیکاران پیوسته اند. نارضایتی بیداد میکند و تجمع امروز کارگران و مردم شهر در مقابل استانداری حاکی از فضای تعرضی در این شهر است. فراخوان کارگران به مردم شهر برای حمایت از آنان و شرکت در تجمع آنها و پاسخ مثبت مردم به این فراخوان بی اندازه حائز اهمیت است و بعنوان الگویی راهگشا میتواند از جانب کارگران کلیه مراکز کارگری و معلمان و پرستاران به کار گرفته شود. این يك پیشروی مهم در اعتراضات رو به رشد کارگران است. در دو سال گذشته حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی آنها گسترش یافته است. فراخوان کارگران این مجتمع به مردم شهر گام بسیار مهم دیگری به جلو است. کارگران در مقابل ابعاد تعرضات هر روزه ای که به آنان صورت میگردد راهی جز همراه کردن خانواده های خود و خیل وسیع مردم معترض ندارند.

زنده باد کارگران شرکت آئومینیوم المهدی هرمز آل، خانواده های آنها و مردم هرمزگان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵
۴ مه ۲۰۱۶



شهرت نموده و بار دیگر نشان دهند که مردم هرمزگان متحدانه در مقابل ظلم و تعدی به آنان خواهند ایستاد. در پاسخ به این فراخوان جمع کثیری از جوانان و مردم شهر و اعضای خانواده های کارگران به تجمع آنها پیوستند و تجمع گسترده ای در مقابل استانداری تشکیل شد.

گفته میشود که کارفرمای خصوصی این مجمع قصد دارد صدها کارگر دیگر را اخراج کند. پیش از این نیز کارگران مجتمع آئومینیوم المهدی هرمز آل دست به تجمعات متعددی زده که آخرین آن سه روز به طول انجامید و منجر به بسته شدن درب این کارخانه توسط کارگران معترض شد. گفته میشود که این مجتمع به مبلغی چند برابر کمتر از قیمت واقعی آن به بخش خصوصی فروخته شده و کارفرمای جدید آن به جان کارگران افتاده، حقوق و مزایای

حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت آئومینیوم المهدی هرمز آل امروز همراه با اعضای خانواده های خود و جمع کثیری از مردم شهر دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری زدند. کارگران به اخراج ۶۲۰ نفر از کارگران این مجتمع، حذف حقوق شرایط سخت و زبان آور محیط کار، افزایش ساعات کاری، عدم وجود امنیت شغلی، عدم پرداخت به موقع حقوق، عدم پرداخت حق بیمه تکمیلی و عدم پرداخت مزایای مصوب از قبیل بهره وری و عییدانه اعتراض دارند. هشت روز متوالی است که کارگران دست به تجمع و تحصن در مقابل کارخانه زده اند. از جمله در روز ۱۲ اردیبهشت کارگران پلاکاردهایی به مناسبت روز جهانی کارگر در دست داشتند. کارگران تجمع امروز خود را به مقابل استانداری کشاندند.

کارگران این شرکت طی فراخوانی از کلیه مردم هرمزگان خواسته بودند که دوشادوش برادران و خواهران خود در شرکت آئومینیوم المهدی هرمز آل در تجمع بزرگ اعتراضی امروز در مقابل استانداری هرمزگان

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاو و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریبه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!



از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

حکومت اقلیم کردستان است، اما تا آنجائی که به اوضاع مردم بر می گردد این حکومت هنوز هم با ماهها تاخیر حقوق کارمندان دولت را پرداخت می کند، هنوز هم بخشهای زیادی از مردم اقلیم کردستان از ابتدائی ترین امکانات زندگی یعنی آب و برق محروم هستند، هنوز هم بیکاری و گرانی در میان مردم بیداد می کند و روزانه بیش از دویست نفر تنها در شهر اربیل نیازمندیهای خود را از میان زیاله های این شهر تامین می کنند.

بیان نامه رهبری حزب دمکرات!

اخیر رهبری حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی بعد از نشست خود بیان نامه ای را منتشر کرده و در آن به تلاش بیشتر برای پروسه جدائی اقلیم از عراق تاکید کرده است. در بخشی از این بیان نامه آمده است که: "مردم کردستان بطور عموم و احزاب سیاسی بخصوص باید آمادگی مقابله با همه احتمالات را داشته باشند." همچنین در این بیان نامه آمده است که ما اوضاع دنیا و منطقه را مناسب می دانیم تا مردم اقلیم تصمیم بگیرند که آیا می خواهند در چهارچوب عراق بمانند یا جدا شوند. در این نشت و بیانیه اشاره ای به بحران و اختلافات احزاب حاکم بر اقلیم که تقریباً دولت را فلج کرده نشده است. لازم به ذکر است که در چند سال گذشته حزب دمکرات مسله جدائی و اعلام استقلال را بعنوان ابزاری برای بده و بستان با دولت مرکزی و حتی احزاب حاکم و مخالف خودش در اقلیم کردستان استفاده کرده است. به نظر نویسنده این سطور گرچه جدائی و یا استقلال از نظر سیاسی می تواند به این بی آیندگی حاکم بر اقلیم کردستان خاتمه دهد، اما تا مادامی که خود مردم راسا اداره امور را در دست نگیرند، تا مادامی که احزاب دزد و چپاولگر کنونی حاکمند و قدرت را در دست دارند، مردم اقلیم کردستان در صورت استقلال هم باز سرنوشتی جدا از سرنوشت امروز را نخواهند

داشت. دلالت بی حقوقی و فقر و بیکاری امروز و ۲۵ سال گذشته دیگر نه حکومت بعث عراق و یا حاکمان بعد از صدام حسین بر عراق بلکه مستقیماً احزاب ناسیونالیست و مذهبی حاکمند که امروز دزدی و چپاول آنها زیانزد خاص و عام است و دفاع امروز حزب دمکرات از خواست جدائی مردم نه از زاویه منفعت مردم کردستان عراق بلکه از زاویه دور اندیشی برای حاکمیت قلدنمشانه و سرکوبگرانه احزاب ناسیونالیستی و بویژه خود حزب دمکرات به رهبری بارزانی است که اینبار می خواهند تحت عنوان دفاع از خواست استقلال برای دوره طولانی دیگری به حاکمیت غارتگرانه خود ادامه دهد.

دیدار نوشیروان مصطفی با جلال طالبانی!

بر اساس گزارشهای منتشر شده بعد از برگشت نوشیروان مصطفی از اروپا و ملاقاتهای پی در پی اتحادیه میهنی و گوران اخیراً نوشیروان مصطفی با جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی دیدار و گفتگو کرده. سایت رسمی گوران گزارش کرده که در این دیدار چند مسله مهم و از جمله اوضاع اقلیم و عراق و تغییرات انجام شده را مورد بحث و گفتگو قرار داده اند. لازم به ذکر است که چندین ماه است بحث اتحاد و توافق این دو حزب در جریان است و به نظر می رسد که دیدار اخیر هم در همین چهار چوب بوده باشد. رهبران حزب گوران و از جمله نوشیروان مصطفی چند سال پیش با پرچم "مقابله با دزدی و فساد" از حزب مادر یعنی اتحادیه میهنی جدا شدند و گوران را بنیاد گذاشتند، اما بلافاصله بعد از قدرت گیری گوران و ورود اینها به پارلمان همگان دریافتند که اینها نیز نه آنطوری که خود ادعا می کردند علیه "فساد و دزدی" بلکه عملاً شریک سفره دزدی و غارتی شدند که ناسیونالیزم کرد بیش از ۲۵ سال است بر اقلیم کردستان اعمال کرده اند و توافق و اتحاد امروزشان هم آب پاکی را بر دست همه آن کسانی می ریزد که فکر می کردند واقعا

آنطوری که گوران از ابتدا ادعا می کرد، این حزبی علیه فساد و دزدی است و امروز می بینند که نوشیروان مصطفی و حزیش نه حزبی علیه فساد و دزدی بلکه حزبی شریک فساد و دزدی هستند و اینها کوچکترین ربطی به اعتراض و مبارزه مردم علیه حاکمین دزد و مفتخور اقلیم کردستان ندارند.

ملاقات سفیر رژیم اسلامی با مسعود بارزانی!

روز پنج شنبه پنجم مه حسن دانایی فر سفیر رژیم اسلامی در عراق به همراه هیتی با رئیس خود گمارده اقلیم کردستان مسعود بارزانی دیدار و گفتگو کردند. بر اساس گزارشهای منتشر شده هدف از این دیدار گفتگو در باره اوضاع عراق و جنگ علیه داعش در شهرهای کرکوک و موصل بوده. لازم به ذکر است که نه مسعود بارزانی و نه سفیر جنایت پیشه رژیم اسلامی هیچگاه هدف واقعی از این دیدار و گفتگو را برملا نخواستند کرد، اما این را امروز همگان می دانند که رژیم اسلامی با سرازیر کردن پول و اسلحه به عراق و مسلح کردن دهها گروه اسلامی و تروریست یکی از بنیان اوضاع نابسامان امروز عراق و اقلیم کردستان است.

خودکشی دختری دانشجو در شهر کفری!

روز یکشنبه هشتم مه در شهر کفری دختر دانشجوئی در رشته هنرهای زیبائی دانشگاه کفری، با گلوله به زندگی خود پایان داد. بر اساس گزارشهای منتشر شده این دختر در خانه خودش با شلیک گلوله ای به سر خود به زندگی خود پایان داده است. تنها در هفته گذشته این سومین دانشجو در اقلیم کردستان است که دست به خود کشی می زند، همچنین روز چهارم مه نیز دختری ۱۶ ساله اهل شهر اربیل در شهر سلیمانیه خودکشی می کند. لازم به ذکر است که اصلی ترین دلیل خودکشی و خودسوزی زنان در اقلیم کردستان فشارهای اجتماعی و جامعه مردسالاری است که زنان را از بسیاری از حقوق ابتدائی خود محروم کرده است. نه تنها این بلکه سالانه صدها زن قربانی فرهنگ و

سنن کهن و عقب افتاده می شوند و توسط مردان به قتل می رسند و سیستم حاکم نیز جز توجیه کشتار زنان عملاً در ۲۵ سال گذشته کوچکترین اقدامی را برای جلوگیری از اذیت و آزار زنان و ترور و کشتار آنان در پیش نگرفته است. ***

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۰۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیمک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!